



بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید و مبارک را به همه‌ی حضار محترم، به همه‌ی ملت عزیز ایران، به همه‌ی مؤمنین عالم و به همه‌ی آزادگان، تبریک عرض می‌کنم. همچنین به شما برادران و خواهران عزیز، بخصوص به خانواده‌های مکرم شهیدان و نیز دوستانی که از راه دور تشریف آورده‌اند، خوشامد عرض می‌کنم.

امسال، این دومین عید غدیر است. عید غدیر اول در روزهای آغاز سال 79 بود و غدیر دوم در روزهای پایانی امسال است. البته عید غدیر، عید بسیار بزرگ و خاطره‌ی عظیم تاریخی است؛ لیکن در مضمون عید غدیر درس‌هایی وجود دارد که هرگاه ملت اسلام این درسها را به گوش جان بشنود، حقیقتاً از این روز بهره خواهد برد. در واقعه‌ی غدیر، درس‌های بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. این طور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان طور که شیعه این حادثه را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» (125) این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله‌ی شیعه و سنی و اختلافات و درگیریهای اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا امروز هرچه از دعوی شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «یعلّمهم الكتاب و الحکمة و یزکیهم»؛ (126) یا در جای دیگر «یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة». (127) باید انسانها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره‌ی خاکی و این جامعه‌ی بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده‌ی سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه‌ی نبوتها و بعثتها این است. هرکدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره‌ی خاکی و در خانواده‌ی بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالاخره به آن برسد. چگونه می‌شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه‌ی بشری را بتدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ی همه‌ی انسانهاست - که ما آن دوره را، دوره‌ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می‌دانیم - برسد. دوره‌ی ولی عصر ارواحنا فداه، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آن جا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده‌ی عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تزیین و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمابین که در این صد سال اخیر این گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه‌ی این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن



در دوران ظهور حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداه قضیه این گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است. همه‌ی پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به این‌جا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌درپی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «اِنَّكَ مَيِّتٌ وَ اٰتَمُّ مَيِّتُوْنَ» (128) - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورد استفاده قرار دهد، و او علی‌بن‌ابی‌طالب است. معنای نصب غدیر این است.

اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسانها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست. این که فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها - که در آن زمان عارف‌ترین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند.

در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسانها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ماجرای بسیار پُر حادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه‌ی بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سالهای دیگر هم متعلق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مذاکره قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند و هرچه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بداندیشیها، بددلیها، شهوترانیها و خودپرستیها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کجراهه‌هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سرمنزل نهایی خودش بسیار دور کرده است. امروز انقلاب اسلامی فرصت دوباره‌ای است که به بشریت داده شده است. این بیداری اسلامی يك فرصت دوباره است. از این فرصتها در طول تاریخ پیش آمده، منتها کم؛ در طول تاریخ اسلام هم پیش آمده، باز هم کمتر. در دریای متلاطمی از امواج گوناگون مادی و نابودی ارزشهای اخلاقی و معنوی، ناگهان این کشتی مستقر ثابت نجات‌دهنده - کشتی اسلامی با ناخدایی اسلام و با رهبری قرآن، ظاهر شده و انسانها را به سمت خودش دعوت کرده است. بحث يك حادثه‌ی کوچک نیست. يك ملت به این کشتی نجات چسبیده‌اند و ملت‌های دیگر هم دیدند که يك ملت چگونه می‌تواند از زیر بار حکومت زور و فساد و وابستگی و دنباله‌روی طاغوتها و مستکبران عالم، با پیروی از سفینه‌ی نجات اسلام، نجات پیدا کند.

همه بداند و بخصوص جوانها بیشتر توجه کنند؛ امروز آوازه و نشانه‌ها و انعکاسهای بسیار مؤثر و کار آمد فریاد انقلاب در دنیا بسیار عمیق شده است. البته از تبلیغات مخالفانی که از فریاد اسلام به وحشت افتاده‌اند، انتظاری نیست که این بازتابهای جهانی را منعکس کنند. آنها عکسش را منعکس می‌کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این است که عرض می‌کنم: تا اعماق جان انسانها - آن هم در چهار گوشه‌ی عالم؛ نه فقط در دنیای اسلام - بازتاب حرکت ملت ایران منعکس شده است. در بسیاری از کشورها - و در کشورهای اسلامی، بیشتر - جوانها به ندای اسلام دل بسته‌اند. در دوره‌ی قبل از انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل حکومت اسلامی در این‌جا، این دل‌بستگی وجود نداشت. این تداوم راه غدیر است. این مطرح کردن يك خط روشن برای بشریت است تا در سایه‌ی این خط روشن، هر چه زودتر به آن سرانجامی که همه‌ی پیغمبران مژده‌اش را داده‌اند، برسد. همه‌ی پیغمبران و مصلحان عالم این نوید را به بشریت داده‌اند که يك روز نجات خواهد یافت.

امروز ما - هم مسؤولانمان، هم مردمان - در قبال مسأله‌ی غدیر مسؤولیم. مسؤولان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکناات و برنامه‌ریزیهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدفهای اسلام - که همان هدفهای



غدير است - تطبيق كند. اگر چه همه ی دنیا، بخصوص کمپانیهای صهیونیستی و قدرتمندان و زرسالاران عالم، ناراحت شوند و همه ی تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه ی انقلاب مستحکم است و این توفانها نمی تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می ترسند؟ ملاحظه ی چه چیزی را می کنند؟ بعضی کسان در برنامه ریزیهایشان، در اجرایشان، در تصمیم گیریهایشان، در حرف زدنهايشان و در موضعگیریهایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه ی دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند.

امروز پیام اسلام، پیام جذابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسانها و نجات جوانهاست. وقتی ما اسم جوان را می آوریم، فقط به جوانهای جامعه ی خودمان نگاه نمی کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنجهای فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسلهای جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می دهد.

مسئولان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه ی این و آن، هم موضعگیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، يك راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجل الله فرجه را فراهم خواهد کرد.

امیدوارم که خداوند متعال این عید را بر شما عزیزانی که در این جلسه تشریف دارید، بر همه ی ملت عظیم الشان ایران و همه ی مؤمنین در سرتاسر عالم مبارک کند و همه ی شما را مشمول برکات خود و ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیة الله قرار دهد و ان شاء الله شما را جزو منتظران واقعی و واصلان به لقای آن بزرگوار محسوب فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

125) امالی طوسی، 247

126) بقره: 129

127) جمعه: 2

128) زمر: 30